

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خدا

باحمد و سپاس فراوان به درگاه ایزدمنان و با عنایت حضرت بقیة الاعظم (عج) و دعای خیر والدین و بهرایی بمسرم سرکار خانم غفوری در سالی که از طرف مقام معظم رهبری به نام سال نوآوری و شکوفایی نام گذاری شد. توفیق نصیب شد تا این جبار ناقابل را به روح پر فتوح بزرگ معمار انقلاب که حرچه داریم از اوست به روح شهدای اسلام از صدر تا کنون علی الخصوص شهدای هشت سال دفاع مقدس و اساتید ارجمندم آقایان جناب حجه الاسلام والمسلمین دکتر محمد صادق غلام جمشیدی که به عنوان استاد مشاور، جناب دکتر عابدین مومنی (استاد راهنما)، جناب دکتر پرویز نصیری مدیر تحصیلات تکلیمی تهران، جناب حجه الاسلام والمسلمین علی زمانی (رئیس دادگاه انقلاب قزوین) و اعضای گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی که تا پایان عمر دیونم را به بزرگواران با کمال توفیق الهی محفوظ خواهیم داشت. اتمام رساله حاضر حاصل شد که بر اساس تحقیقات انجام شده و نتایج کلی ذیل جمع بندی و به دانشگاه پیام نور مرکز تهران به عنوان پایان نامه دوره کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی ارائه نمایم.

آذرماه ۱۳۸۷ مصادف با عید غدیر خم

سید مهدی حسینی

فهرست مطالب

| صفحه | عنوان |
|--------------------------------|---|
| ۱ | مقدمه |
| بخش اول: کلیات | |
| ۳ | فصل اول: تاریخچه موضوع |
| ۳ | تاریخچه موضوع |
| ۴ | فصل دوم: رشوه از دیدگاه فقه و لغویین |
| ۵ | رشوه از دیدگاه لغویین |
| ۶ | ریشه رشوه |
| | فصل سوم |
| ۷ | رشوه در اصطلاح شرع و فقه |
| بخش دوم: ادله حرمت رشوه | |
| ۱۰ | |
| ۱۱ | فصل اول: آیات و روایات |
| ۱۱ | ۱- رشوه از دیدگاه قرآن |
| ۱۳ | شیوه استدلال به آیه |
| ۱۳ | اشکال اول |
| ۱۳ | جواب اشکال اول |
| ۱۴ | اشکال دوم |
| ۱۶ | جواب اشکال دوم |
| ۱۶ | ۲- رشوه از دیدگاه نهج البلاغه |

| | |
|----|--|
| ۱۸ | رشوه از دیدگاه روایات |
| ۱۸ | الف - سحت از دیدگاه روایات |
| ۱۹ | ب - رشوه از دیدگاه احادیث |
| ۲۰ | ج-درمقابل فقه مطالبه رشوه چه حکمی دارد |
| ۲۲ | فصل دوم: رشوه از دیدگاه عقل و اجماع |
| ۲۲ | ۱- رشوه از دیدگاه فقه و عقل |
| ۲۲ | ۲- اجماع بر حرمت رشوه |
| ۲۲ | ۳- اجماع علمای فریقین - (شیعه و سنی) |
| ۲۳ | ۴- چند مسأله در مورد رشوه |

بخش سوم: هدیه و رشوه

| | |
|----|--|
| ۲۶ | فصل اول: انواع هدیه و رشوه |
| ۲۶ | الف - جایگاه هدیه در اسلام |
| ۲۸ | ب - انواع هدیه برای قاضی |
| ۲۸ | ج - انواع رشوه |
| ۲۹ | ۱- «رشوه» مادی |
| ۲۹ | ۲- «رشوه» بیانی |
| ۳۰ | ۳- «رشوه» اهدائی |
| ۳۱ | ۴- رشوه طعامی |
| ۳۱ | ۵- رشوه ناموسی |
| ۳۲ | ۶- رشوه خیالی |
| ۳۲ | ۷- رشوه زور و قلدری یا اعمال نفوذ و تحمیل عقیده به داد رسان به اجبار |
| ۳۳ | د- مصادیق جدید رشوه |
| ۳۳ | و- آیا در عبادت کردن نیز رشوه وجود دارد؟ |

| | |
|----|-----------------------------------|
| ۳۴ | فصل دوم: تفاوت هدیه و رشوه |
| ۳۴ | ۱- فرق میان رشوه و هدیه |
| ۳۶ | ۲- تفاوت رشوه و پاداش |

| | |
|----|--------------------------------|
| ۳۸ | فصل سوم: رشوه مجاز |
| ۳۸ | ۱- رشوه در چه صورتی جایز است؟ |
| ۴۱ | ۲- قضاوت با رشوه چگونه است؟ |
| ۴۱ | رشوه حرمت تکلیفی دارد یا وضعی؟ |

بخش چهارم: اثرات اجتماعی رشوه

| | |
|----|--|
| ۴۶ | فصل اول: چگونگی پیدایش رشوه و خطر آن بر دین و جامعه |
| ۴۶ | الف- اثرات اجتماعی رشوه |
| ۴۷ | ب- عوامل مؤثر در پیدایش رشوه |
| ۴۷ | ۱- نواسانات اقتصادی |
| ۴۷ | ۲- محیط زندگی |
| ۴۷ | ۳- رواج امور اقتصادی صرف |
| ۴۷ | ۴- نوع فعالیت اقتصادی |
| ۴۷ | ۵- امرای فاسق |
| ۴۸ | ج- رشوه و خطر آن بر دین و جامعه |
| ۴۹ | د- برخی از زیانها رشاء و ارتشاء |
| ۵۰ | و- اولین رشوه سیاسی آشکار در تاریخ اسلام |
| ۵۰ | ی- رشوه خواری از آفات سیاست است |
| ۵۱ | فصل دوم: مبارزات افراد با رشوه خواری |
| ۵۱ | الف- راههای مبارزه با رشوه خواری |
| ۵۱ | ۱- تحکیم مبانی اعتقادی |
| ۵۱ | ۲- تأمین رفاه و امنیت قاضی |
| ۵۲ | ۳- تحکیم موقعیت قاضی |
| ۵۲ | ۴- دقت در گزینش کارمند |
| ۵۳ | ۵- اعطای حقوق کافی به کارمندان |
| ۵۳ | ۶- مراقبت و نصب مراقب بر کارگزاران |
| ۵۳ | ۷- مجازات خیانتکار |
| ۵۳ | ۸- بررسی علل و انگیزه‌ها |
| ۵۴ | ۹- تقویت نیروی اراده |
| ۵۴ | ۱۰- پاکسازی محیط |
| ۵۴ | ب- نمونه هایی از مبارزه با رشوه خواری . |
| ۵۶ | ج- مبارزه امیر کبیر با فساد و رشوه خواری |

بخش پنجم: عناصر و ارکان تشکیل دهنده جرائم ارتشاء

| | |
|-----|---|
| ۵۹ | فصل اول: عنصر قانونی جرایم ارتشاء و رشاء |
| ۶۶ | فصل دوم: عنصر مادی جرایم ارتشاء و رشاء |
| ۶۷ | ۱- سمت مرتشی |
| ۶۸ | ۲- سمت راشی |
| ۶۹ | ۳- موضوع جرایم ارتشاء و رشاء |
| ۷۳ | ۴- فعل مرتکب در جرایم ارتشاء و رشاء |
| ۷۸ | نتیجه عنصر مادی جرایم ارتشاء و رشاء |
| ۸۰ | فصل سوم: عنصر روانی جرایم ارتشاء و رشاء |
| ۸۷ | فصل چهارم: همکاری و شروع به جرایم ارتشاء و رشاء |
| ۸۷ | ۱- شرکت در جرایم رشاء و ارتشاء |
| ۸۸ | ۲- معاونت در جرایم رشاء و ارتشاء |
| ۸۸ | ۳- شروع به جرایم رشاء و ارتشاء |
| ۹۱ | فصل پنجم: مجازات مرتکبین جرایم رشاء و ارتشاء و مرتبطين با آنها |
| ۹۱ | مجازات مرتشی |
| ۹۵ | مجازات راشی و موارد معافیت وی از مجازات |
| ۹۵ | الف- مجازات راشی |
| ۹۷ | ب- موارد معافیت راشی از مجازات |
| ۱۰۱ | نتیجه گیری |
| ۱۰۵ | فهرست منابع عربی |
| ۱۰۹ | فهرست منابع فارسی |

چکیده

رشاء و ارتشاء از جمله جرایمی هستند که به آنها بسیار پرداخته شده لکن هیچگاه تعریف دقیقی از آنها ارائه نشده است؛ از این رو بنده در این پایان نامه از منظر فقهی و با توجه به نظر غالب فقها، چه متقدمین و چه معاصرین به این مسئله پرداخته و از سوی دیگر از دید قوانین و حقوق داخلی این قضیه را مورد بررسی قرار داده و در دنباله بحث به بیان این مسئله و مصادیق آن در حقوق خارجی پرداخته ام. علل خصوص مواردی را که در حقوق ما، بدانها اشاره نشده است و سوی این مباحث از نقطه نظر اجتماعی و به خصوص فرهنگ رفتار سازمانی که شاخه جدیدی از مدیریت سازمانی است؛ پدیده رشوه را بررسی نمودم و در این بین از جنبه های اقتصادی و روانشناسی رشوه نیز غافل نگشتم تا مجموعه کاملی را از ابعاد گوناگون گردآوری نمایم. بدین امید که مخاطب با مطالعه این پایان نامه به یک دید کلی در این زمینه برسد؛ و پس از آن خود بتواند تحلیل درستی از این پدیده شوم و علل آن داشته باشد.

کتاب های فقهی و روایی غالباً متعلق رشوه را، حکم قاضی بیان کرده اند. با این که در برخی از روایات و فتاوا هدیه دادن به سردمداران و کارگزاران حکومت رشوه تلقی شده است ولی آن چه به اتفاق آراء فقیهان بزرگ فرموده اند این است که: اخذ مال بدین شیوه ولو اینکه عنوان رشوه هم صدق نکند، در حرمت به رشوه ملحق می شود و یا به عنوان «اکل مال به باطل» حرمت پیدا می کند و به هر حال از گناهان کبیره محسوب می گردد. به ویژه اگر رواج این گونه مبادله ها باعث اختلال در نظام و سلب اعتماد عمومی گردد، حرمتش تشدید و کیفرش زیادتر خواهد بود.

رشوه یک پدیده شوم اجتماعی است و از مصادیق بارز فحشا و فساد محسوب می گردد. اضافه بر مفاسد فردی بزرگ ترین مانع اجرای عدالت اجتماعی و قانون به حساب می آید و سبب می شود، قوانین که قاعدتاً باید حافظ منافع طبقات ضعیف باشد به سود مظالم طبقات نیرومند که باید قانون آنها را محدود کند، بکار می افتد. و نیز رشوه از ضعف فرهنگی و فقر مذهبی ناشی می گردد، در جامعه ای که مفاهیم بلند ایمان، عدالت، قانون و قضاوت های عادلانه رو به ضعف بگذارد، رشوه رایج می شود. متخلفان و متجاوزان، میدان را مناسب دیده به تاخت و تاز مشغول می شوند و از اجرای عدالت هراسی ندارند؛ زیرا با اعطای مبلغی به قاضی یا منشی و دادیار جلو اجرای حکم گرفته می شود، در نتیجه مستمندانی که حق آنها ضایع شده و حتی پول ابطال تمبر در دادگستری را ندارند از شکواییه صرف نظر می کنند.

مقدمه

بلایی به نام رشوه

رشوه بلایی دامنگیر و خانمان بر انداز است که چهره قضاوت را در طول تاریخ آلوده ساخته است و لفظ «رشوه» و مفهوم آن، از الفاظ و مفاهیم متداولی است که متأسفانه مظاهر نکبت بار آن در بسیاری از جوامع و از جمله جامعه های اسلامی مشاهده گردیده و می گردد! و شاید کمتر کسی باشد که لفظ رشوه را نشنیده و یا تا به حال با «واقعیت» آن در خارج ولو به عنوان «حق و حساب» و «هدیه» روبه رو نشده باشد.

به شهادت تاریخ، ارتکاب این خیانت با تمام مراحل و صورتهای گوناگونی که پیدا کرده، با همه رنگهای متفاوتی که در بستر زمان به خود گرفته، چه جنایاتی را که به بار نیاورده است. چه در آن روزگار که جزو کارهای ننگین و بی اندازه پست به حساب می آمد و تنها عده معدودی در پنهان و به طور قاچاق به آن آلوده می شدند، و اگر روزی پرده از راز آنها برداشته می شد، به سختی مجازات شده و دیگر نمی توانستند با بد نامی در میان تنفر شدید مردم به زندگی آبرومندانه ای ادامه بدهند، و چه در روزگار ما که جزو سری کارهای عادی و فوق العاده در آمد و از این بالاتر، از نشانه های بارز مردمان لایق و با عرضه به حساب می آید. و رشوه خواران وارد و لایق، در اندک زمانی از این راه صاحب «ثروت های کلان» شده و خود و فرزندانشان تا آخر عمر در کمال رفاه و در عین آبرومندی کامل زندگی می کنند و «رشوه نگیرها» متهم به بی عرضگی و عدم لیاقت گشته و چه بسا مورد ملامت و سرزنش دوستان خود نیز قرار می گیرند.

در هر صورت رواج «رشوه» با تمام نوسانها و رنگهای گوناگون خود در میان یک اجتماع، دلیل بر ضعف و زبونی آن بوده و در جامعه ای که ارتشاء بر آن حاکم است، مفاهیم ایمان و عدالت و احترام به قانون و داوریهها و قضاوتهای به حق مورد و مصداقی نخواهد یافت. متخلفین و متجاوزین به حقوق و قوانین اجتماع از اجراء عدالت نمی هراسند، چون عدالتی در کار نیست تا اجراء شود و آنها می توانند به دادن مبلغی به قضاوت، رأی دادگاه را به نفع خود تغییر دهند و ستمدیدگان و محرومان اجتماع هم از اجراء عدالت مأیوسند، زیرا می دانند با تهی دستی کسی به فریاد آنها نخواهد رسید.

و بدین ترتیب با جامعه ای رو برو خواهیم بود که ناله های جانسوز مظلومان و محرومان در میان عربده های مستانه و گوش خراش متجاوزان و ستمکاران به گوش کسی نمی رسد. رشوه در یکجا کاخی مجلل بر می افروزد و در جایی دیگر کوخی را ویران می کند. از یک طرف شیرازه خانواده بینوایی را از هم می گسلد و از طرف دیگر خانواده بانوایی را به نوا و رفاه بیشتر می رساند. و بالاخره در برابر اجتماعی قرار خواهیم گرفت که آثار بی عدالتیها و قانون شکنیها در تمام مظاهر آن هویدا می باشد.

انگیزه و هدف اصلی اینجانب در انتخاب موضوع «بررسی مبانی فقهی رشوه در مذاهب اسلامی» به عنوان پایان نامه این است که دلایل حرمت رشوه و مطلب مربوط به این بلای خانمانسوز از نظر دین اسلام هر چند ناچیز و ناقص جمع آوری شده و خطراتی را که برای انسانها از نظر دنیوی و اخروی دارد، گوشزد شود. و با آشنا کردن افراد با زیانهای رشوه خواری و عواقب سوء دنیوی و اخروی آن کاری فرهنگی انجام گیرد تا شاید ان شاء الله بدین وسیله قدمی هر چند ناچیز در جهت سازندگی میهن عزیز اسلامی برداشته باشم.

بخش اول

کلیات

فصل اول

تاریخچه موضوع

تاریخچه موضوع

یکی از عیوب و بلاهایی که از دیرباز دامنگیر انسان بوده و هم اکنون نیز با شدت بیشتری ادامه دارد و در بسیاری از جوامع ریشه دوانده و زیانهای فراوانی را به بار آورده و می آورد و خشک کردن ریشه آن هم کار بسیار دشواری می باشد و رشاء و ارتشاء است که در عصر ما حالت عادی به خود گرفته و زرنگی محسوب می شود این جرم از زمره جرائم بسیار قدیمی است که مخصوصاً در مورد قضاوت از دیرباز دامنگیر بشریت در همه کشورها بوده است در تاریخ اسلام به ویژه در عهد امویان و عباسیان ایالتها و ولایتها در مقابل رشوه فروخته می شدند و چه بلاها و مصیبتهای بزرگی به خاطر رشوه بوجود آمده است. در فاجعه خونباز کربلا تنها عاملی که موجب شد عمر بن سعد آن جنایت هولناک را انجام دهد موضوع حکومت ری بود که هر وقت اظهار عدم تمایل می کرد ابن زیاد می گفت: «آن نوشته ما را بر گردان» باز هم مصمم می شد آن جنایت هولناک را مرتکب شود و شد، در شهادت امام حسن (ع) رشوه عامل اصلی بود معاویه زهر مهلکی برای جعه فرستاد و نوشت یکصد هزار درهم برایت فرستادم اگر امام حسن را مسموم کنی تو را به عقد پسر می یزید در می آورم. در صلح معاویه با امام حسن (ع) نیز رشوه عامل تعیین کننده بود که معاویه با دغلبازی هر سرداری را که از طرف امام حسن (ع) به فرماندهی سپاه تعیین می شد با پول و وعده امارت می خرید.

در ایران هم اوضاع از همین قرار بوده بویژه در دوران قاجاریه در بسیاری از مناصب و مشاغل دولتی با پول خرید و فروش می شدند و چه بسیار قراردادهای و معاهداتی که حتی در سطح بین المللی با رشوه دادن به یک یا چند صاحب منصب دولتی به نفع یک کشور خارجی منعقد می گردید قبل از آن نیز در ایران باستان این عمل بویژه از سوی قضاوت انجام می گرفته و با مجازاتهای سختی عقوبت می شده است. به نحوی که مشهور است کمبوجیه فرمان داد تا قاضی را که در مقابل گرفتن رشوه حکم به ناحق داده بود کشتند و سپس پوست بدن او را کنند و پس از دباغی به روی مسند سابق او که به فرزندش رسیده بود انداختند تا فرزند در همه حال از عاقبت بد رشوه خواری آگاه باشد. کنت دو گوینو نویسنده و فیلسوف معروف فرانسوی در کتاب سه سال در آسیا در خصوص رشوه می نویسد رشوه خواری در ایران به قدری رایج است که از شاه گرفته تا آخرین مأمور جزء رشوه می گیرند و در عین حال هیچ کس هم صدایش در نمی آید رشوه در عهد ستم شاهی به طوری بود که کشوی میزها در برابر مراجعین باز بود اما با پیروزی انقلاب اسلامی ایران ارتشاء خود بخود به حداقل خود رسید زیرا راشی و مرتشی به خود آمدند و به اصلاح خویش پرداختند. ولی متأسفانه جنگ تحمیلی و تورم اقتصادی و تبعات ناشی از آن درباره رشوه خواری را به صحنه آورد که با برنامه ریزی باید جلوی این بلای خانمان سوز را گرفت. در اسلام رشوه خواری و رشوه دادن حرام شمرده شده و در برخی روایات همپایه کفر به خدا دانسته شده و به راشی و مرتشی وعده عذاب سخت داده شده است.

فصل دوم

رشوه از دیدگاه لغویین و فقه

رشوه از دیدگاه لغویین

با سیری در کتابهای لغت معلوم می شود که تعبیر لغویین در معنی و مفهوم «رشوه» بسیار مختلف است و از این رو در اینجا این تعییرات را دسته بندی کرده و به شرح زیر تقدیم مینمایم.

- ۱- «رشوه»: چیزی است که انسان برای ابطال حق و یا احقاق باطل می پردازد.^۱
- ۲- «رشوه»: چیزی است که تشخیص به حاکم یا دیگری می دهد تا به سود او حکم کند، یا خواسته اش را بر آورد.^۲
- ۳- «رشوه»: مالی است که برای ابطال حق، احقاق باطل و یا بر سبیل تملق داده شود.^۳
- ۴- «رشوه»: رسیدن به خواسته از راه غیر قانونی است.^۴
- ۵- «رشوه»: چیزی است که برای انجام مقصود به کسی داده می شود.
- ۶- «رشوه»: چیزی است که برای کارسازی ناحق به کسی بدهند.^۵
- ۷- «رشوه bribery»: مال، جنس و یا خدمتی است که در اختیار یک صاحب قدرتی، دولتی و یا غیر دولتی قرار داده می شود تا قلب او خریداری گردد و یا به انجام کاری وادار شود، که انجام آن کار خیانت به وظیفه خویش به شمار می آید.^۶
- ۸- «رشوه»: چیزی است که به کسی داده می شود تا کاری بر خلاف وظیفه خود انجام دهد، یا حق کسی را ضایع کند و یا حکمی بر خلاف حق و عدالت صادر نماید.^۷
- ۹- «رشوه»: الرِّشْوَةُ و الرِّشْوَةُ و الرِّشْوَةُ جمع رِشْيٍ و رِشْيٍ: ما يُعْطَى لِإِبْطَالِ أو إِحْقَاقِ باطل. ^۸ آنچه که برای ابطال حق یا احقاق باطل داده میشود رشوه است.
- ۱۰- «رشوه»: الرِّشْوَةُ ما يُعْطِيهِ الشَّخْصُ لِلْحَاكِمِ و غیره، لِيَحْكُمَ أو يَمْلَأَ عَلَيَّ يُرِيدُ. یعنی رشوه اعطاء مال به حکم یا غیر اوست، که به نفع دهنده مال حکم کند، یا او را (حاکم را) بر آنچه معطی اراده می کند، وادار نماید.^۹
- ۱۱- «رشوه»: الرِّشْوَةُ هِيَ الْوَصْلَةُ إِلَى الْحَاجَةِ. بِالْمُصَانَعَةِ و الرَّاشِي الَّذِي يُعْطَى مَا يُعِينُهُ عَلَى الْبَاطِلِ، و الْمُرْتَشِي الْآخِذُ، و الرَّايِشُ هُوَ الَّذِي يَسْعَى بَيْنَهُمَا. یعنی: رشوه توصل و رسیدن به حاجت است از راه زد و بند و مصانعه. راشی کسی است که برای دستیابی به باطل بذل مال و هزینه می کند. مرتشی گیرنده
- ۱۲- مال است و رایش کسی است که دلال و کار قاچاق کن معامله است. ^{۱۰} و اما ارباب لغت در معنای واژه رشوه اختلاف نظر دارند «فیروز آبادی» می گوید: «الرشوه و هی العجل». یعنی: رشوه دستمزد و حق السعی است که قرار داده می

۱- تاج العروس، زبیدی، ج ۱۰ ص ۱۵۰.

۲- مجمع البحرین، طریقی، ج ۲ ص ۱۸۲.

۳- اقرب اموارد، سعید الخوری الشرفقونی، ج ۱ ص ۴۰۷.

۴- نهاییه، ابن اثیر، ج ۲ ص ۲۲۶.

۵- لغت نامه دهخدا، علی اکبر دهخدا، ج ۷ ص ۱۰۶۴۸.

۶- موسوعه، منیر البعلبکی، ج ۲، ص ۱۱۳.

۷- فرهنگ عمید، حسن، ج ۱ ص ۶۳۱

۸- المنجد فی اللغة، لویس معلوف، ص ۲۶۲

۹- مصباح المنی، الفیومی، ص ۲۲۸

۱۰- نهاییه، ابن اثیر، ج ۲ ص ۲۲۶.

شود.

طریحی می گوید: «رشوه» یعنی آنچه شخص به حاکم یا دیگری می دهد تا به سود او حکم کند یا خواسته اش را بر آورده سازد».

هر دو تعریف اتفاق نظر دارند که رشوه عبارت است از مبلغ پول یا مالی که شخصی آنرا به غرض همکاری بر دستیابی به حق یا باطل، به دیگری می پردازد. این دو تعریف این اثر که رشوه را فقط در مورد همکاری بر ظلم و گناه می داند مغایر است وی میگوید:

«رشوه» رسیدن به خواسته از راه غیر قانونی است. اصل آن از «رشاء» به معنای ریسمانی است که به وسیله آن آب را از چاه بیرون می آورند لذا «راشی» شخصی است که به کسی چیزی می بخشد تا او را در انجام باطلی یاری کند. «مرتشی» کسی است که «رشوه» می گیرد و «رائش» شخص واسطه بین راشی و مرتشی است که برای یکی زیادی و برای دیگری کمی و کاستی را می خواهد. لذا آنچه برای احقاق حق یا دفع ظلم پرداخت می شود، در تعریف رشوه داخل نیست، روایت شده است که ابن مسعود درباره قضیه ای در حبشه دستگیر شد، دو دینار پرداخت تا رها شود.^۱

در کتاب «المصباح» نیز تعریفی نزدیک به همین معنا آمده است که با آنچه ذکر کردیم هماهنگی واژه «برطیل» نیز به معنای رشوه است. در ضرب المثل آمده: «البراطیل تُخرج الأباطیل» یعنی رشوه ها، باطلها را حاکم می کنند. «براطیل» از برطیل به معنای کلنگ گرفته شده، زیرا در رشوه آنچه پنهان است، آشکار و حاکم می شود.

۱- نهاییه، ابن اثیر، ج ۲، ص ۲۲۶ و نظام حکومتی و اداری در اسلام، باقر شریف القرشی، ص ۴۰۶، ۴۰۷

ریشه رشوه

واژه رشوه از ماده رشاء با الف ممدوده و به کسر راء گرفته شده و رشاء به معانی:

- ۱- الرشاء: الحبل عموماً او حبل الدلو جمعه أرشیه.^۱
 - ۲- ریسمان دلو.^۲
 - ۳- ریسمان بلند.^۳
 - ۴- رشته هایی که به وسیله آن کدو و امثال آن بر فراز درخت آویزان می کنند.^۴
- کلمه رشوه ناقص واوی است^۵ علت اینکه آنرا بر ناقص واوی حمل کردیم این است که رشوه با واو در ادبیات عرب آمده ولی رشی با یاء هرگز در ادب عربی نیامده است.^۶
- تناسب رشوه با ریسمان در این است ه بوسیله ریسمان آب از چاه بیرون آورده می شود، و به وسیله رشوه برای خواسته ها چاره جوئی می شود.^۷

۱- المنجمد فی اللغة، ص ۲۶۲

۲- اقرب الموارد، ج ۱ ص ۴۰۷.

۳- معجم مقایس اللغة، ابوالحسن احمد بن فارس بن زکریا، ج ۲ ص ۳۹۷.

۴- فرهنگ عربی به فارسی منتهی الاعر، عبد الرحیم بن عبد الکریم صفی پور، ج ۱ و ۲ ص ۴۵۱.

۵- اقرب الموارد، ج ۲ ص ۴۰۷.

۶- لسان العرب، ابن منظور، ج ۵ ص ۲۲۳.

۷- نهاییه، ابن اثیر، ج ۲ ص ۲۲۶.

فصل سوم رشوه در اصطلاح شرع و فقه

رشوه در اصطلاح شرع

فقها در معنای رشوه اختلاف نظر دارند که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

محقق ثانی در معنای رشوه می‌گوید:

رشوه چیزی است که یکی از دو طرف دعوی آنرا می‌پردازد. و نیز می‌گوید: آنچه یکی از دو طرف دعوی آنرا به حاکم می‌دهد رشوه است. بر اساس این دو تعریف محقق ثانی رشوه را بطور کلی حرام میدانند، خواه برای احقاق حق داده باشد یا برای به کرسی نشاندن باطل.

گروهی از فقها بر آنند که رشوه چیزی است که شخص به وسیله آن به پیروزی باطل دست پیدا می‌کند، ولی اگر به غرض پیروزی باطل نباشد، حرام نیست.^۱

اگر کسی رشوه بدهد ولی نه برای قضاوت و داوری، بلکه برای اینکه موقعیت خود را نزد حاکم تثبیت و به اصطلاح خود شیرینی کرده باشد و یا برای نزدیک شدن به حاکم باشد و یا دیگر غرضها در کار باشد، ظاهراً حرام است ولی نه برای اینکه رشوه به شمار می‌آید، بلکه برای اینکه اکل مال به باطل است.^۲

فقط در صورتی که اجرای حکم حق بستگی به رشوه داشته باشد، آنرا مجاز می‌داند و اما در مجمع البحرین گفته شده که استعمال رشوه در غیر مواردی که ربای ابطال حق یا پیمودن باطل است کمتر استعمال می‌شود. و در مصباح نیز آمده: رشوه آن مالی است که شخص به حاکم یا غیر حاکم می‌دهد تا به نفع او حکم کند یا او را به کار دلخواه متمایل سازد (البته کار حرام) و از نهایه نیز حکایت شده که رشوه مالی است که هنگام سازشکاری (برای حرام) پرداخت می‌شود.^۳ صاحب جواهر الکلام می‌فرماید:

رشوه اختصاص به بخشیدن مال به قصد رشوه دارد و یا اینکه رشوه اعم از مال و اعمال و گفتار، مثل مدح و تمجید از قاضی و انجام نیازهای او و تعظیم نکوداشت و مانند آن است. و بخشش نیز اعم است از بیع مجانی و عاریه و وقف و مانند آن، و خلاصه هر آنچه رسیدن به حکم حاکم با آن قصد شود، رشوه است.

قول دوم که به نظر قوی تر نیز می‌رسد این است که در بعضی موارد ما شک و تردید داریم که اسم رشوه بر این مورد نیز دلالت می‌کند یا خیر و در بعضی موارد نیز قطعاً می‌دانیم که به آنها رشوه صدق نمی‌کند، پس بعید نیست که این موارد نیز داخل در حکم رشوه باشد.^۴

رشوه چیزی است که یکی از دو طرف دعوی آنرا می‌پردازد. و در جای دیگر می‌فرماید: رشوه چیزی است که یکی از دو طرف دعوی به حاکم پردازد.^۵

در قاموس از رشوه به پاداش تفسیر شده است و از مجمع البحرین هم نقل شده که استعمال رشوه در غیر آن مالی که برای ابطال حق یا رسیدن به باطل پرداخت میشود، بسیار کم است. در مصباح نقل شده: رشوه آن مالی است که شخص به حاکم یا

۱- صله: عطیه، احسان، جایزه.

۲- مکاسب، ص ۳۱، نظام حکومتی و اداری در اسلام ص ۴۰۸.

۳- مکاسب ص ۳۰ شیخ انصاری

۴- جواهر الکلام، الشیخ محمد حسن النجفی، ج ۲۲ ص ۱۴۷.

۵- جامع المقاصد، الشیخ علی بن الحسین الکرکی ج ۴ ص ۳۵۲

غیر حاکم می دهد تا به نفع او حکم کند یا کار او را انجام دهد. و در نهاییه گفته شده که رشوه صله ای^۱ است که هنگام احتیاج و در تنگنا قرار گرفتن، پرداخت میشود. بنا بر نقل صاحب جواهر برخی از فقهاء در شرحشان بر قواعد گفته اند که رشوه چنانکه قاموس گفته مطلق نیست بلکه بین رشوه اجرت و جعل، عموم و خصوص من وجه است. و نیز رشوه چنانکه مجمع البحرین و نهاییه گفته اند تنها بخشش به خاطر حکم به باطل نیست بلکه هر بذل و بخششی است، خواه برای حکم به باطل یا حق باشد.

از مجموع مطالب گفته شده، علمای فقه و لغت در معنا و موضوع رشوه مشخص می شود که آنها با هم اختلاف نظر دارند ولی آنچه که از دقت علمی و نظر مساعد عرف فهمیده می شود این است که معنای رشوه آنقدر عام نیست که شامل اجرت و جعل شود. اگر از نظر اهل لغت رشوه شامل جعل و اجرت بشود اما از نظر عرف به جعل و اجرت رشوه گفته نمی شود از جمله از دلایلی که دلالت بر عدم عمومیت رشوه می کند روایت عمار بن مروان است.^۲

مرحوم آیت الله خوئی (ره) می فرماید:

این جانب در فقه امامیه و فقه اهل سنت بیان صریحی که موضوع رشوه را تحقیق کرده و حقیقت آنرا روشن نموده باشد، نیافتم به جز روایاتی که در مورد رشوه در احکام وارد شده است و همان روایات هم توضیح نداده که آیا رشوه بخشیدن مال (به قاضی) در مقابل هر حکمی (به حق یا ناحق) است یا صرفاً برای به باطل حکم دادن است؟ از آن روایات اختصاص «رشوه» به رشوه حکمی فهمیده نمی شود و گرنه اطلاق آنها به غیر رشوه حکمی صحیح نبود. به هر حال برای تحقیق مفهوم رشوه ناگزیریم که به عرف و لغت و کلمات علمای فقه مراجعه کنیم.

صاحب مستند الشیعه می فرماید اقتضای کلام اکثر فقهاء و آنچه از عرف فهمیده می شود این است که رشوه شامل هر مالی میشود که به حاکم (قاضی) داده شود چه برای به حق حکم کردن باشد یا به باطل حکم نمودن، این مطلب را ایشان صریحاً از پدرشان نقل کرده اند و اضافه نموده اند که آنچه گفتیم از کتابهای قاموس، کنز و مجمع البحرین نیز استفاده می شود. سپس می فرماید دلیل اینکه آنچه به حق داده می شود به آن هم رشوه گفته می شود این است که در روایت صحیح آمده است:

از امام علی (ع) پرسیدند اگر فردی برای تخلیه منزلش و ساکن شدن غیر او در آن رشوه پرداخت کند، حکمش چیست؟ امام (ع) فرمود: اشکالی ندارد.

اصل در استعمال نیز چنین است تا زمانی که یقین نداشته باشیم استعمال در غیر مورد است، چنین استعمالی حقیقت خواهد بود، پس اصل در استعمال حقیقت است تا زمانی که قرینه ای بر خلاف آن نباشد.^۳

جمعی از فقهاء فرموده اند: رشوه مالی است که ذی حق برای رسیدن به حقتش در محکمه می پردازد و اگر نپردازد حقتش ضایع میگردد. از بررسی کلمات فقهاء اهل عرف و لغت جمع بندی همه آنها به این نتیجه می رسیم که رشوه مالی است که فردی به دیگری می دهد برای احقاق حق خود و یا باطلی را به کرسی بنشانند و یا صرفاً برای چاپلوسی یا برای استحکام ارتباط به دلیل نیاز به ساخت و پاخت در امری یا در برابر عملی است که نزد عرف و عقلا، اجرت یا پاداش به آن تعلق نمی گیرد هر چند منظور پرداخت کننده را تأمین کند و مورد نظر آنها هم باشد و آن کار برای تقویت همکاری و کمک فی ما بینشان انجام دهد، مثل احقاق حق یا ابطال باطل یا ترک ظلم و اذیت یا دفع آنها و سپردن مدارس، مساجد و معابد وقفی به اهل شان یا تخلیه منزل برای سپردن به دیگری یا تخلیه مکانی در مسجد برای نشستن دیگری و مواردی از این قبیل که در برابر آن معمولاً اجرت

۱- صله: عطیه، احسان، جایزه.

۲- کتاب اقصاء، حاج میرزا محمد حسن آشتیانی، ص ۳۸ و ۳۹.

۳- مصباح الفقاهه، آیت الله حاج سید ابو القاسم موسو خوئی، ج ۳۱، ص ۲۶۲ و مستند الشیعه، محمد مهدی نراقی، ج ۲ ص ۵۲۶.

پرداخت نمی شود.

آری آنچه که در قاموس ذکر شده که رشوه هر پرداختی است تفسیر به اعم است و احتمالاً معنای لغوی رشوه است و اگر معنای اصطلاحی آنرا چنین عام بگیریم که شامل این مثال شود که اگر کسی بنده فراری (یا ماشین گمشده ای) را به من بر گرداند هزار درهم به او مژدگانی خواهم داد و این در حالی است که هیچکس نگفته مژدگانی رشوه است.^۱ در رشوه فرقی نمی کند مال باشد یا کار یا منفعتی، مثل خیاطی یا هر چه که مقصود گیرنده را بر آورده سازد، مثل اینکه راشی خانه اش را ولو به به قیمت معمولی به مرتشی بفروشد به این معنا که او را در معامله بر دیگران ترجیح دهد، آیا چنین معامله صحیح است یا خیر؟

یک قول می گوید: خیر چون آن مثل بیع هنگام نداء (مانند معامله است که در هنگام خواندن نماز جمعه انجام می شود که آن موجب باطل شدن معامله نمی گردد). است.

قول دیگر می گوید: بله آن معامله باطل است، زیرا این حکم وضعی متأثر از حکم تکلیفی است. زمانی که رشوه حرام باشد و این معامله نیز مصداق آن باشد، باطل خواهد بود. همچنین اگر شخصی خمس و زکات را به عنوان رشوه بدهد با این شرط که به نفع اش حکم کند، حرام است و ذمه اش از خمس و زکات واجب بری نمی شود. در این زمان برخی از قضات نا آگاه می گویند: اگر فلان مبلغ را به مستمندان بدهی تو را از مجازات تبرئه می کنم، این مال رشوه است و مستمندان صاحب آن نمی شوند، حکم همینطور احترام، تمجید و مدح قاضی اگر به عنوان رشوه باشد حرام است و اگر این موارد بر قاضی اثر کند و به نفع ثنا گو کند، قاضی هم مرتکب حرام شده است و به طور کلی هر آنچه که منظور

از آن جلب حکم قاضی باشد، رشوه حرام است و اگر در مورد برخی افراد شک کردیم که آیا تحت نام رشوه داخل است یا یقین داریم که تحت عنوان رشوه داخل نیست، اصل برائت جاری می شود.^۲

صاحب مفتاح الکرامه می گوید:

«رلرشوة عند الاصحاح ما یُعطى للحکم حقاً و باطلاً.»

یعنی: رشوه در نزد فقهاء شیعه، مالی است که عطاء می شود برای حکم و فرقی نمی کند که حکم به حق یا به باطل باشد. و همچنین صاحب کتاب روضه فرموده است:

«الرشوة هُوَ اخذَه - ای القاضی - ما لا من احدهما او منهما او من احدهما او من غیرهما علی الحکم او الهدایة الی شیء من وجوه سواء حکم لباذلهما بحق او باطل.»

یعنی: رشوه گرفتن توسط قاضی از دو طرف دعوی از یکی از آن دو نفر یا غیر از آنها، که حکم کند یا راهنمایی کند یکی از طرفین دعوی را و فرقی نمی کند که در مقابل گرفتن مال به حق و یا به باطل حکم کند.^۳

صاحب عروه الوثقی می فرماید:

«هی بیدله للقاضی لیحکم له بالباطل او لیحکم له حقاً کان او باطلاً او لیعلمه طریق المخاصه حتی یغلب علی خصمه.»

یعنی: رشوه مالی است که به قاضی داده می شود که به نفع وی حکم کند به باطل و یا به نفع وی حکم کند چه به حق باشد و چه به باطل و یا راه و روش دفاع کردن را به دهنده رشوه بیاموزد تا او بر دشمنش پیروز شود.^۴

۱- مصباح الفقاهه، ج ۳۱، ص ۲۶۳.

۲- فقه، آیت الله سید محمد رضا گلپایگانی، ج ۶ ص ۲۳۷، ۲۳۸.

۳- قضاء و قضاوت در اسلام، محمد محمدی گیلانی، ص ۷۱.

۴- العروه الوثقی و تکملتها، سید محمد کاظم طباطبائی یزدی، ج ۴ ص ۲۲ و قضا و قضاوت در اسلام، محمد مهدی گیلانی، ص ۷۱.

بخش دوم

ادله حرمت رشوه

فصل اول

آیات و روایات

۱- رشوه از دیدگاه قرآن

در اینجا رشوه را با توجه به آیات قرآن و نظر مفسرین و نهج البلاغه و روایات مورد بحث و بررسی قرار می دهیم .
 «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ»^۱
 «اموال خود را در میان خویش به باطل نخورید، که آنرا به سوی زمامداران سرازیر کنید، تا قسمتی از اموال مردم را به گناه بخورید در حالی که شما می دانید.»

در این آیه شریفه از خوردن مال مردم به باطل نهی شده باطل در لغت به معنای هر چیزی که از بین می رود گفته می شود. به شیطان باطل گفته میشود، زیرا کارهایش اساس ندارد، هر چیزی که از بین می رود و دیگر بر نمی گردد و به آن اعتماد نمی شود، باطل گفته می شود.^۲

در این آیه شریفه به یکی از روشن ترین مصادیق اکل به باطل اشاره شده و آن اینکه انسان پولی را به زمامدار و یا زور مندی بدهد، تا بتواند با جلب حمایت او مال دیگری را به باطل بخورد.^۳
 «وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ».

تدلو از ماده ادلی به معنای دلو را به چاه انداخت، و ماسبت آن به مورد بحث در این است که انسان در مقام مخاصمه مطلبی را می اندازد به امید اینکه بتواند طرف را محکوم کند، انسان که دلو را در چاه می اندازد به امید اینکه به آب اصابت کند و آبی بیرون کشیده شود، و یا پولی را به صاحب قدرتی می دهد تا در پرتو قدرت او به مال و منالی برسد.^۴
 در تفسیر این آیه شریفه اقوال مختلفی گفته شده:

۱- ابن عباس می گوید: اکل به باطل در این آیه امانتهایی است که در نزد افراد است و شاهد و گواهی بر آن نیست و راه خیانت بر امانتدار باز است.

۲- جبائی می گوید: اموال یتیم است که در دست اوصیای میت است که قسمتی از آنرا به زمامدار می دهند تا به هنگام مطالبه اموال یتیم، دستانش از طرف حکومت باز باشد.

۳- کلبی می گوید: مقصود اموالی است که با گواهان دروغین به دست آید.^۵

۴- حسن بصری می گوید: منظور اموالی است که با سوگند دروغ به ناحق بدست آورد.^۶

۵- روشن ترین مصداق آن رشوه های است که به داوران داده می شود تا به سود رشوه دهنده قضاوت کنند.

این آیه شریفه شامل هدایایی است که به قضاوت داده می شود که در مورد مقتضی به سود صاحب هدیه قضاوت کنند، دادن و ۶- گرفتن این هدایا حرام است و از مصادیق «و تدلوا بها الی الحکام» است. و در عنوان رشوه داخل است و اگر کسی

۱- سوره بقره/ ۲، آیه ۱۸۸.

۲- معجم المقاییس، اللغة، ج ۱ ص ۲۵۸.

۳- رشوه پدیده شوم اجتماعی، واحد تحقیقات سازمان اوقاف و امور خیریه، ص ۲۱.

۴- ترجمه تفسیر مجمع البیان، طبرسی، ج ۲ ص ۲۲۵.

۵- همان منبع.

۶- تفسیر فخر رازی، امام محمد فخر رازی، ج ۵ ص ۱۲۸.